



بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم السلام - 3 / بهمن / 1400

به مناسبت سالروز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز؛ بعد از دو سال جمعی از شما را در این حسینیه مجدداً زیارت میکنیم. یکی از بهترین جلسات ما و شیرین ترین خاطرات اجتماعی و جلساتی ما جلسه‌ی روز ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) است که هر سال با شما عزیزان داشته‌ایم؛ گمان میکنم الان ۳۵ سال است که این جلسه هست. تبریک عرض میکنم ولادت سیده‌التساء (سلام الله علیها)، صدیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را و همچنین ولادت امام بزرگوارمان را.

درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) چند جمله‌ای عرض میکنم به عنوان عرض ارادت، بعد هم چند جمله‌ای درباره‌ی مسئله‌ی مهمّ مدّاحی و هیئت. البته روز ولادت، روز زن هم هست، روز مادر هم هست؛ بانوان محترم از ما گلایه میکنند که این روز را باید به بانوان اختصاص میدادیم؛ حق هم با آنها است، منتها این جلسه، جلسه‌ی ریشه‌دار و سابقه‌داری است و نمیشود این جلسه را دست کم گرفت؛ باید یک روزی را برای دیدار خانمها هم ان شاء الله معین کنیم.

درباره‌ی عظمت شأن زهرا‌ی اطهر، صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) زبان ماها خیلی قاصر و ناقص است؛ قرآن و حدیث صحیح درباره‌ی این بزرگوار سخن دارد، مدیحه دارد که برای ذهن ما و فکر کوتاه ما فهم این مدیحه‌ها هم احتیاج به تأمل و دقت دارد. این روایت را که امام بزرگوار هم یک وقتی نقل کردند که جبرئیل بعد از وفات و رحلت پیغمبر بر حضرت زهرا می‌آمد و نازل میشد، روایت صحیحی است؛ به سند این روایت ما نگاه کردیم؛ سند معتبر و در نهایت اعتبار است و جای هیچ تردیدی نیست که جبرئیل می‌آمد. عبارت این است: وَ كَانَ يَأْتِيهَا جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيُحْسِنُ عَزَاءَهَا عَلَى أَبِيهَا؛ به زبان امروز ما، مرتب می‌آمد به حضرت زهرا برای رحلت پیغمبر تسلیت میگفت؛ وَ يُطَيِّبُ نَفْسَهَا؛ آرامش میداد به آن بزرگوار؛ وَ يُخَيِّرُهَا عَنْ أَبِيهَا وَ مَكَانِهِ؛ خبر میداد که پیغمبر در چه وضعی است، در چه حالی است؛ در عالم برزخ، در محضر حیّ و دود، مقامات عالی پیغمبر را نشان میداد و برای فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) تصویر میکرد؛ وَ يُخَيِّرُهَا يَمَا يَكُونُ بَعْدَهَا فِي دَرْبِهَا؛ ماجراهای فرزندان حضرت را هم که در آینده پیش می‌آید - ماجرای امام حسن، ماجرای کربلا، ماجرای ائمه (علیهم السلام) و ماجرای حضرت ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را - برای حضرت نقل میکرد؛ وَ كَانَ عَلَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْتُبُ ذَلِكَ؛ (۲) امیرالمؤمنین هم می‌نشست، اینها را مینوشت؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است.

بنا به نقل قرآن، جبرئیل یک بار در طول تاریخ بر غیر پیغمبری نازل شده: أَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا؛ (۳) اگر مراد از روح - که البته این هم محلّ اختلاف است - در ماجرای حضرت مریم، جناب جبرئیل (علیه السلام) باشد، خدای متعال [فقط] یک بار بر به [کسی] غیر پیغمبر جبرئیل را فرستاده؛ بقیته‌ی ملائکه نازل شده‌اند و مکرر اتفاق افتاده که ملائکه آمده‌اند؛ [اما] جبرئیل فقط یک بار؛ اما برای حضرت زهرا: وَ كَانَ يَأْتِيهَا جِبْرَائِيلُ؛ بحث یک



بار و دو بار نیست، [بلکه] جبرئیل مرتب می‌آمد و شرفیاب میشد خدمت حضرت زهرا (سلام الله علیها).

[مدح حضرت] در قرآن، در سوره‌ی «هل أتى» هست، در آیه‌ی تطهیر هست، در آیه‌ی مباحله هست. اینهایی که حالا تقریباً صریح است درباره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) این آیات است، و الا آیات دیگری هم هست که اشاره دارد به آن بزرگوار. اینکه در سوره‌ی «هل أتى» خدای متعال می‌پردازد به کار فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و خانواده‌اش، خیلی چیز مهمی است؛ این یک پرچمی است که قرآن برمی‌افرازد، برافراشته میکند بر سر در خانه‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها): *إِنَّمَا تُطَعَّمُكُمْ لُوْجِهَ اللّٰهِ لَا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا*؛ (۴) کار برای خدا، اخلاص، خدمت بی‌منت؛ به چه کسی؟ به یتیم و فقیر و اسیر؛ این اسیر، یعنی اسیر مسلمان بوده؟ بعید است آن وقت اسیر مسلمان [بوده باشد]. خدمت بی‌منت؛ این درس است، پرچم فاطمه‌ی زهرا این است؛ یعنی قرآن این را بزرگ میکند. یا در آیه‌ی مباحله: *وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُم*؛ (۵) در حالی که اطراف پیغمبر زنان زیادی بودند - همسران پیغمبر بودند، نزدیکان دیگر پیغمبر بودند، شاید آن وقت بعضی از دختران دیگر پیغمبر [هم] بودند - اما «نساءنا» فقط فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است؛ برای چه؟ برای مواجهه‌ی جبهه‌ی حق با جبهه‌ی باطل؛ این [طور] است. فاطمه‌ی زهرا مظهر این حقایق والا و فوق‌العاده است. فضائل حضرت زهرا اینها است.

پیغمبر اکرم در مورد حضرت زهرا تعبیر «سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» (۶) دارد، و «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»؛ (۷) که این مهم‌تر است: سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. همه‌ی زنهای بهشتی: جناب ساره، جناب آسیه، جناب حوا، جناب مریم، همه‌ی این زنهای بزرگ تاریخ «نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» هستند دیگر؛ زنهای بهشتند؛ این بزرگوار «سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ» است. این [جور] است. اصلاً زبان انسان چطور بچرخد تا بتواند اینها را بیان کند و حقش را ادا کند! اصلاً ذهن ماها هم خیلی احتیاج به تأمل و تدقیق دارد تا این حقایق را درک کند.

خب اینجا ضمناً برجسته‌ترین خصوصیات معلوم شد؛ در آن آیه‌ی شریفه بحث طهارت و آیه‌ی تطهیر است که یک مسئله‌ی فراتر از این حرفها است؛ در آیه‌ی «هل أتى» مسئله‌ی خدمت بی‌منت است؛ در آیه‌ی مباحله مسئله‌ی مقابله‌ی جبهه‌ی حق و جبهه‌ی کفر و باطل است؛ اینها است؛ اینها نشانه‌های مهم فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است.

و من می‌خواهم این را عرض بکنم که به توفیق الهی، به فضل الهی بعد از انقلاب، نام مبارک فاطمه‌ی زهرا نسبت به قبل از انقلاب - که ما یادمان هست - نمیشود گفت ده برابر، شاید ده‌ها برابر، صد برابر تکرار میشود و برده میشود؛ یعنی جامعه، جامعه‌ی فاطمی است؛ اثر آن را هم در جامعه داریم مشاهده میکنیم؛ همین خدمت بی‌منت را، همین حرکت بسیجی را، همین کار بدون مزد و منت را شما در دوران دفاع مقدس یک جور مشاهده میکنید، در دوران حرکت علمی یک جور مشاهده میکنید: کسی نام شهید فخری‌زاده‌ها، (۸) شهدای هسته‌ای، دانشمند بزرگ مرحوم کاظمی‌آشتیانی (۹) را نشنفته بود؛ خیلی‌ها هنوز هم نمی‌شناسند کاظمی کیست؛ این بزرگانی که در وادی علم وارد شدند کسانی هستند که بدون مزد و منت، میدانهای بزرگ علمی را در این کشور برای این مردم و برای اسلام و جمهوری اسلامی فتح کردند.

بعد شما ملاحظه کنید در پیشامدهای طبیعی مثل سیل، مثل زلزله مردم چطور مشتاقانه می‌شتابند؛ کجا چنین چیزهایی وجود دارد؟ این همان روش فاطمی است؛ این همان حرکت در جهت انگشت اشاره‌ی سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ



است. لا تُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا ؛ این اشاره‌ی فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) است. و در این دو سال اخیر [در مورد] مسئله‌ی کرونا چه کارها شد، چه خدماتی انجام گرفت و بدون اینکه نام کسی مطرح باشد، کارهای بزرگی انجام گرفت. این حرکت‌های جهادی، این اردوهای جهادی که در دوره‌ی سال در جریان است و جوانها بدون اینکه نامی از خودشان باقی بگذارند میروند، بی مزد و منت حرکت میکنند، باید این روش ادامه پیدا کند ؛ باید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) اسوه باشد، الگو باشد در همه‌ی جهات، از جمله در حرکت بزرگ اجتماعی و انقلابی و مبارزاتی ما.

خب درباره‌ی هیئت و بحث مدّاح ؛ در این زمینه بحث زیاد هست، بنده هم در سالهای مختلف صحبت‌های زیادی در این زمینه عرض کرده‌ام خدمت مدّاحان عزیزمان. حالا خوشبختانه الان که می‌آدم، دیدم اینجا [بین] این کتابهایی که شما منتشر کرده‌اید، چند جزوه درباره‌ی هیئت هست ؛ این خیلی خوب است، من ندیده بودم این را که درباره‌ی هیئت بحث بشود، صحبت بشود ؛ خیلی حرف هست در مورد هیئات حسینی. من حالا یک جمله‌ی کوتاهی امروز در این زمینه عرض میکنم.

هیئت یک واحد اجتماعی است، یک مجموعه‌ی اجتماعی است که بر محور مودّت اهل بیت شکل میگیرد ؛ محور این اجتماع کوچک یا بزرگ، مودّت اهل بیت (علیهم السّلام) و هدایت به سمت اهداف اهل بیت است ؛ حقیقت هیئت این است، ماهیّت هیئت یعنی این. ریشه‌ی این پدیده هم مال زمان خود ائمّه است ؛ صحبت امروز و دیروز نیست ؛ هیئت را اصحاب ائمّه تشکیل دادند و آنها شروع کردند ؛ بعد از حادثه‌ی کربلا دُور هم جمع میشدند. امام صادق (علیه السّلام) از راوی سؤال میکنند: تجلسون وَ تُحَدِّثون ؟ (۱۰) می‌نشینید دُور هم، صحبت میکنید، حرف میزنید؟ یعنی مسائل ما را مطرح میکنید؟ او جواب میدهد که بله، این کار را میکنیم ؛ یعنی همین مجموعه‌ی هیئات. بعد حضرت میفرماید: إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا ؛ من دوست میدارم این مجالس را. قربان آن دل! [میفرماید] مجالس شما را دوست میدارم. إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا وَ أَحْيَا أَمْرَنَا ؛ (۱۱) مسئله‌ی ما را زنده نگه دارید. «أمرنا» در کلمات ائمّه زیاد تکرار میشود ؛ یعنی مسئله‌ی ما – به آن موضوع اساسی و محوری‌ای که ما بر اساس آن حرکت میکنیم، میگویند امر – حالا ما اگر بخواهیم با تعبیرات امروزی مثلاً عرض بکنیم، اگر چه یک مقداری از آن معنای حقیقی فروکاسته میشود، مثلاً بگوییم راه ما، مکتب ما ؛ «أحیوا أمرنا» یعنی راه ما را زنده نگه دارید، مکتب ما را زنده نگه دارید. در یک روایت دیگر که این هم در کافی هست، میفرماید که «تَزَاوَرُوا وَ تَلَاقُوا وَ تَذَاكَرُوا أَمْرَنَا وَ أَحْيُوهُ» ؛ (۱۲) این هم همین جور است ؛ احیای امر است.

خب بنابراین تاریخچه و ریشه‌ی این هیئت مال آن زمان است و در تاریخ تشیّع، در طول تاریخ ادامه پیدا کرده، لابد شکل‌های مختلفی گرفته – که حالا اگر کسانی اهل تحقیق تحقیق کنند، میتوانند جزئیات بیشتری را پیدا کنند – تا رسیده به زمان ما و در یک برهه‌هایی کارایی بزرگی هم از خود نشان داده ؛ مثل دوران انقلاب. شما جوانها یادتان نیست ؛ هیئتها در دوران انقلاب خیلی اثر داشتند ؛ [مثل] این نوحه‌خوانی‌های عجیب و غریب که در نوارها در سرتاسر کشور پخش میشد ؛ فرض کنید در جهرم یا در یزد نوحه‌خوان، نوحه خوانده بود، این نوحه غوغا به پا میکرد. نوحه‌ی امام حسین [بود] اما همه درباره‌ی انقلاب، درباره‌ی امام ؛ اینها مردم را، انقلاب را حرکت میداد، به انقلاب جان میداد ؛ این هیئتها بودند که این کار را انجام میدادند. این در دوران انقلاب بود. بعدها در دوره‌ی جنگ هم خب خیلی از شماها یادتان هست ؛ هیئتها در دوران دفاع مقدّس چه میکردند! این جنازه‌ی شهدا که می‌آمد یا جوانها که میخواستند به سمت جبهه حرکت کنند، میدان‌دار اصلی و واقعی، هیئتهای حسینی بودند ؛ امروز هم بحمدالله هیئات به صورت تکثیرشده‌ای در کشور ما وجود دارند. این، اصل هیئت.



یک نکته‌ی مهمی در باب هیئت هست و آن این است که امام -همان طور که عرض کردم- در این دو روایت میفرمایند: احووا امرنا؛ مسئله‌ی ما را، مکتب ما را زنده نگه دارید یا زنده کنید. خب، امروز برای شما که در محیط شیعی، در محیط جمهوری اسلامی، در کشور مسلمان و شیعه نشسته‌اید، شاید اصلاً خیلی مفهوم نیست آن وقتی که امام صادق میگویند «احیوا امرنا»، یعنی چه. در آن دوره‌ای که امام صادق فرمودند: احووا امرنا، احیای امر اهل بیت جزو سخت‌ترین و خطرناک‌ترین کارها بود؛ یک جهاد عظیم بود. حالا آن زمانهایی که ما در این زمینه زیاد بحث می‌کردیم، کار می‌کردیم -که آن حرفهای چهل پنجاه سال قبل ظاهراً چاپ شده و در اختیار افراد هست- [توضیح داده‌ایم]. زندگی مبارزاتی ائمه و مبارزه‌ی اصحاب ائمه جزو خطرناک‌ترین‌ها بود؛ چطور است که همه‌ی ائمه به شهادت میرسند؟ چرا امام جواد در ۲۵ سالگی، امام عسکری در ۲۸ سالگی به شهادت میرسند؟ چرا اینها را میکشند؟ چرا موسی بن جعفر (علیه السلام) را چند سال به زندان می‌اندازند و در زندان به شهادت می‌رسانند؟ زندگی، زندگی مبارزه بود. در یک چنین شرایطی امام میفرماید: احووا امرنا؛ شما که می‌نشینید در آن جلسات هیئتی، احیای امر ما را بکنید؛ یعنی امام بزرگ‌ترین مبارزات را، خطرناک‌ترین مبارزات را، امام از اینها مطالبه میکند. پس هیئت جای چیست آقا؟ جای جهاد. هیئت، کانون جهاد است؛ هیئت، کانون جهاد است؛ جهاد فی سبیل الله، جهاد در راه احیای مکتب اهل بیت، مکتب امام حسین (علیه السلام)، مکتب شهادت. خب ائمه (علیهم السلام) چه جور جهادی میکردند؟ ائمه جهاد نظامی که نمیکردند؛ جز معدودی -فقط حضرت امیرالمؤمنین، امام حسن مجتبی و حضرت امام حسین با شمشیر جنگیدند- بقیه‌ی ائمه که با شمشیر جنگیدند؛ جهادشان چه بود؟ «جهاد تبیین». اینکه همین که بنده مکرر (۱۳) تکرار میکنم تبیین یا جهاد تبیین، -تبیین کنید، روشنگری کنید-. هیئت، محل جهاد تبیین است. به نظر من از این «احیوا امرنا» این نکته‌ی بسیار مهم استفاده میشود.

یک نکته‌ی دیگر در باب هیئت این است که هیئت یک ساختاری است که هم دارای مغز و معنا است، هم دارای تحرک و پویایی است؛ فقط فکر و معنویت و درس و تعلیم نیست، تحرک و پویایی هم در هیئت وجود دارد. مغز و معنا همان مکتب است؛ تبیین مکتب. در هیئتها تبیین مکتب میشود. اینکه عرض میکنیم «میشود»، یعنی باید بشود. طبیعت هیئت این است: هیئت محل تبیین است، محل بیان است، محل بیان مهم‌ترین مفاهیم معارف اسلامی و معارف علوی است، محل پاسخ به سؤالات است. امروز جوانهای ما سؤالات گوناگونی دارند؛ درباره‌ی سبک زندگی سؤال دارند، درباره‌ی مسائل اصولی سؤال دارند، سؤال [هم] به جا است. راه مواجهه‌ی با سؤال، اندیشیدن و پاسخ دادن است؛ این کار باید در هیئات انجام بگیرد؛ مرکز مهم این کار همین هیئات است؛ پاسخ به سؤالات فراوان متعددی که روزبه‌روز به وجود می‌آید. سؤال ایرادی ندارد، منتها کسی که سؤال دارد بداند که این جهل او و بی‌اطلاعی او است که سؤال را به وجود می‌آورد و ممکن است این را تبدیل کرد به دانش، به علم، به دانایی. کسی که سؤال دارد، این سؤال موجب این نشود که خیال کند همه چیز وارونه است؛ نه، سؤال باید مطرح بشود، اشکالی هم ندارد، باید پاسخ داده بشود و پاسخش باید در هیئتها باشد، در مراکز علم و معرفت باشد؛ این، مغز و معنا هیئت است.

پویایی و تحرک [هم یعنی] استفاده‌ی از هنر و استفاده‌ی از مخاطبه‌ی با مخاطب به صورت نقد. فرق هنر شما و خیلی از هنرهای دیگر این است که شما با مخاطبتان به صورت نقد مواجه میشوید؛ شما با او حرف میزنید، او احساساتش را به شما منتقل میکند؛ یعنی متقابل، به صورت دائم با همدیگر ارتباط دارید؛ این، پویایی هیئت است. یک پویایی دیگر حرکت کردن در خیابان و کوچه و بازار است با این دسته‌هایی که راه می‌افتد. به قول یکی از برادران اهل ذوق، این حرکت دسته‌های حسینی، در واقع نماد حرکت امام حسین است از مکه به کربلا که دارد



حرکت میکند؛ حرکت برای جهاد، حرکت در راه خدا.

نکته‌ی بعدی در باب هیئت این است که گفتیم جهاد تبیین؛ خب پس بنابراین قوام هیئت به جهاد است؛ جهاد یعنی چه؟ جهاد یعنی تلاش در مقابله‌ی با دشمن؛ هر تلاشی جهاد نیست. خیلی‌ها تلاش میکنند، تلاشهای علمی زیادی میکنند، تلاشهای اقتصادی میکنند که خوب و به‌جا است، اما جهاد نیست. جهاد یعنی تلاشی که هدف‌گیری در مقابل دشمن در آن وجود داشته باشد؛ این جهاد است. در اصطلاح اسلامی و منطق اسلامی، جهاد این [کاری] است که در مقابل دشمن انجام میگیرد. شما [اگر] کار اقتصادی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، میشود جهاد؛ کار علمی و تحقیقی بکنید برای مقابله‌ی با دشمن، میشود جهاد؛ حرف بزنید، تبیین کنید برای خنثی کردن وسوسه‌ی دشمن، میشود جهاد؛ اینها همه جهاد است. پس مهم این است که ما عرصه‌ی جهاد را تشخیص بدهیم که در هر زمانی در چه عرصه‌ای باید جهاد کرد؛ این خیلی مهم است.

اشتباه نکنیم! گاهی اوقات بعضی‌ها - بنده مکرر مثال زده‌ام - مثل کسی که در یک سنگری قرار گرفته، بعد خوابش میبرد، بعد از مدتی از خواب بیدار میشود، نمیداند دشمن کدام طرف است، دوست کدام طرف است، تفنگ را میگیرد طرف دوست؛ گاهی اوقات این جور است؛ عرصه‌های جهاد را بعضی‌ها نمی‌شناسند؛ نمیدانند کجا باید حرکت کرد و اصلاً دشمن کدام طرف است، به کدام طرف بایستی نگاه کرد و کجا را آماج حمله باید قرار داد؛ مهم این است. یک روز میدان، میدان نظامی است مثل دوران دفاع مقدس، دوران دفاع از حرم؛ اینجا میدان، میدان نظامی است؛ آن روز خیلی‌ها وظیفه را تشخیص دادند و حرکت کردند و رفتند و وظیفه‌شان را انجام دادند - البته واجب کفائی بود؛ واجب عینی نبود - که البته در همین جا هم هیئتها سنگ تمام گذاشتند که قبلاً عرض کردیم، و بسیاری از این رزمندگان ما و شهدای ما بچه‌های هیئتها بودند که رفتند و به شهادت رسیدند؛ یک روز عرصه‌ی علم است و جهاد، جهاد علمی است، باید علم را بالا برد؛ یک روز عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی است؛ یک روز عرصه‌ی خدمات اجتماعی است و خدمت به مردم. آن روزی که دشمن سعی میکند جامعه را در فشار اقتصادی قرار بدهد برای اینکه مردم را در مقابل اسلام، در مقابل نظام اسلامی قرار بدهد، آن روز اگر شما خدمت اقتصادی و اجتماعی به مردم بکنید، جهاد کرده‌اید در مقابل دشمن؛ لکن از همه‌ی اینها مهم‌تر عرصه‌ی تبیین و روشنگری است. اگر روشنگری بود، همه‌ی این عرصه‌های گوناگون در وقت خود و جای خود وضعشان روشن خواهد شد و مردان خودشان را پیدا خواهند کرد.

این را من از روی اطلاع عرض میکنم که امروز انبوهی از رسانه‌ها - نمیشود شمرد، بخصوص با این وضع فضای مجازی - با هزاران متخصص: متخصص هنر، متخصص رسانه، متخصص علوم ارتباطات، با پشتیبانی مالی انبوه، با پشتیبانی امنیتی انبوه در کارند؛ برای چه؟ برای اینکه در نظام جمهوری اسلامی افکار را برگردانند، مذاقها را برگردانند، ایمانها را و باورها را تضعیف کنند، تخریب کنند؛ این [جور] است. حالا دیگران برای کشورهای دیگر چه کار میکنند، آنها بحثهای دیگری است؛ این مطلبی که من عرض میکنم، هدفی است متوجه به کشور ما، مردم ما، جمهوری اسلامی ما، باورهای ما، اعتقادات ما. هزاران دستگاه دارند در این زمینه کار میکنند با پولهای گزاف و پشتیبانی‌های گوناگون. خب، این یک حرکت شیطانی است و جبهه‌ی شیطان است.

مقابل این جبهه‌ی شیطان چیست؟ جبهه‌ی جهاد فی سبیل‌الله؛ جبهه‌ی جهاد فی سبیل‌الله. خب شما در هیئتید دیگر؛ از هیئت خودتان سؤال کنید که در این جهاد کجا قرار دارد؟ عرض ما این است. این نکته‌ی دومی که عرض



کردیم این است: ما از خودمان سؤال کنیم که ما در این جهادی که وجود دارد، در این جنگ بی‌امانی که وجود دارد بین اسلام و کفر، بین حق و باطل، بین روایت دروغ و حقیقت - این جنگی است بین اینها - ما در کجای این جبهه قرار داریم و حضور داریم؟ این را باید مشخص کنیم برای خودمان و خاطر خودمان را جمع کنیم. کجا ایستاده‌ایم؟ البته در تبیین و گسترش آرمانها مورد نظر است؛ آرمانها، اصول، مبانی اصلی، بیانات انقلاب؛ اینها بیشتر از همه مورد نظر است، منتها مسائل خرد سیاسی و اجتماعی هم داخل در این جبهه است و بایستی دنبال کرد.

خب، یک نکته‌ی دیگر در هیئتها، عنصر منبر، عنصر مدّاحی، عنصر مستمع و مخاطب است؛ اینها از عناصر اصلی‌اند. دو ستون مهم و پایدار هیئت عبارت است از آن منبری و واعظ و این مدّاح. حالا در مورد منبر و منبری، ما عریضی داریم که جای اینها نیست، در وقت خود با مخاطبین خودش عرض خواهیم کرد.

در مورد مدّاحی دو سه نکته من عرض میکنم که مربوط به شما عزیزان ما است: یکی اینکه همین طور که عرض کردیم مدّاحی یک هنر منحصربه‌فرد است؛ یعنی ما شبیه این را نداریم در جاهای دیگر. جاهای دیگر، ابتهال و از این چیزها هست اما با مدّاحی فرق دارد؛ مدّاحی یک هویت دیگر و یک حقیقت دیگری است و گفتیم نوع رابطه‌ی مخاطب این هنر و هنرمند، یک نوع خاصی از رابطه است؛ دل را صفا میدهد؛ دل مخاطب را صفا میدهد و روشن میکند دل او را؛ این اشکی که می‌بینید جاری میشود، این اشک از دل برمیخیزد. اشک از دل:

خاکِ دل آن روز که می‌بیختند
شب‌نمی از عشق در او ریختند

دل چو به آن قطره غم اندود شد
بود کبابی که نمک سود شد

دیده‌ی عاشق که دهد خون ناب
هست همان خون که چکد از کباب (۱۴)

این اشکها از دل برمیخیزد، مال دل است، دل را صفا میدهد. بعد مستمع را به عمق تاریخ میبرد، مستمع را در حال حاضر نگه نمیدارد؛ مدّاح میبرد این دل را به عمق تاریخ، حقایق تاریخی را برایش مشخص میکند. بعد به او معرفت دینی و اخلاقی و سیاسی میبخشد؛ یعنی مدّاح همه‌ی این کارها را انجام میدهد. [پس مدّاحی] هم معرفت دینی است، هم معرفت اخلاقی است، هم معرفت سیاسی است. مکرر عرض کرده‌ایم این شعرهایی که اول منبر میخوانید، اگر شعرهای اخلاقی باشد، خیلی باارزش است؛ هم شعرهای معرفتی و هم شعرهای اخلاقی [باشد]؛ مثل بعضی از غزلیات صائب - و نه همه‌اش - اینها باارزش است. امروز هم بحمدالله شعرای آئینی ما در کارند.

من این را هم عرض بکنم که شما و شعرای آئینی به هم کمک میکنید؛ یعنی شما که مدّاح هستید موجب اعتلای شعر آئینی میشوید؛ یعنی شما وقتی شعر را تکرار میکنید و میخوانید، شاعر را به هیجان می‌آورید، حقیقتاً شاعر را وادار میکنید شعر را بالا میبرد. بنابراین، شما به شاعر کمک میکنید، شاعر هم به شما کمک میکند؛ وقتی شما شعر خوب را در منبر میخوانید، در حقیقت جایگاه خودتان را ارزشمند میکنید.



خب این حرکت مهم - بردن به عمق تاریخ و جلا دادن و صفا دادن به دلها - احتیاج به هنر و هنرنمایی دارد. این هنرنمایی در مدّاحی‌های ما صدا است، آهنگ است، هندسه‌ی خوانندگی است؛ این سه چیز را حتماً لازم دارد؛ یعنی هم باید اهل صوت باشد، هم بایستی خوانندگی و آهنگ - که به عربی میشود لحن - داشته باشد، هم هندسه‌ی خوانندگی که البته این هندسه‌ی خوانندگی را بعضی‌ها دارند، بعضی‌ها ندارند؛ مهم است که از اوّل در ذهن خودتان مشخص کنید که چه کار میخواهید بکنید با این جلسه. صورت مدّاحی را اینها تشکیل میدهد؛ یعنی صدای خوب، آهنگ خوب، مهندسی خوب این خواندن، صورت است؛ این صورتهای نباید بر محتوا غلبه کند. این صورتهای همه وسیله است برای محتوا؛ نبادا جوری حرکت بشود، جوری اقدام بشود که محتوا گم بشود! آن هدایت، آن محبّت، آن چیزی که حرکت جامعه را در واقع جهت میدهد از درون هیئت و از کانون هیئت، نبایستی تضعیف بشود و گم بشود. این هم یک نکته در مورد مدّاحی.

یک نکته‌ی دیگر [اینکه] در مدّاحی هم مثل همه‌ی کارهای دیگر ابتکار و نوآوری لازم است؛ می‌بینید جوانها نوآوری هم میکنند. در کار مدّاحی نوآوری خوب است، نوآوری ایرادی ندارد، منتها توجه بکنید که این نوآوری به هنجارشکنی منتهی نشود. مدّاحی یک هویت خاصی است؛ این هویت عوض نشود. این نوآوری شما نبایستی حرکت شما و اجرای برنامه‌ی شما را بلغزاند به سمت یک چیزهایی که مدّاحی نیست؛ گاهی این جوری دیده میشود. حالا آن مقداری که معلومات محدود بنده اقتضا میکند، یک مواردی گاهی گوشه‌کنار هست که صورت و همان ابتکار، آن چنان نیست که هویت مدّاحی را حفظ کرده باشد؛ باید توجه کنید این هویت حفظ بشود؛ مدّاحی موسیقی پاپ نیست.

یک نکته‌ی دیگر این است که مدّاحان در قضایای مهم خوش درخشیدند؛ در دفاع مقدّس خوش درخشیدید، در دفاع از حرم خوش درخشیدید، در فتنه‌ی ۸۸ خوش درخشیدید، در قضایای گوناگون همین طور؛ مدّاحها امتحان خوبی دادند در همه‌ی اینها و واقعاً به معنای واقعی کلمه، مجاهدپروری کردند این جلسات، شهیدپروری کردند این جلسات. در جنگ رسانه‌ای میان ما و دشمن، در این پیکار و کارزار فرهنگی و رسانه‌ای که وجود دارد بین جمهوری اسلامی و بین دشمنان، صدای رسای مدّاحان انقلابی کارساز بود؛ کارهای بزرگی را توانست انجام بدهد؛ این گذشته‌ی چهل و چندساله‌ی مدّاحان ما در انقلاب این جوری است. من عرض این است - نکته‌ی سوّم یا چهارم این است - که نگذارید این صدای رسا خاموش بشود؛ نگذارید. شما امتحانهای خیلی خوبی در گذشته دادید، امروز هم ما با جبهه‌ی وسیع دشمن مواجه هستیم؛ آن روز صدای رسای شما خیلی کار کرد، امروز هم باید کار کند.

نکته‌ی بعدی این است که مدّاحان عزیز ما دلشان میخواهد که جوانان را به این جلسه‌ی هیئت جذب کنند؛ فکر خوبی است؛ یعنی واقعاً جذب جوانها به این جلسات میتواند اصلاً برای بعضی از جوانان نجات‌بخش باشد و آنها را نجات بدهد؛ میتواند برای بعضی‌ها تعالی‌بخش باشد. بنابراین یکی از اهداف جلسات مدّاحان ما و در ذهن مدّاحان ما، جذب جوانان است؛ این بسیار کار خوبی است، منتها من این را میخواهم عرض بکنم که مواظب باشید جذب جوانها به هر قیمتی نباشد؛ این جور نباشد که برای اینکه این جوان خوشش بیاید، ما فلان آهنگ نامناسب را مثلاً فرض کنید در شعر مدح یا شعر مصیبت به کار ببریم. جذب لازم است، واجب است، مفید است، اما با حفظ ساختار صحیح. مراقب باشید که به مناسبت اینکه انسان میخواهد جوانها را جذب کند، ترکیب مدّاحی و آن حقیقت و هویت مدّاحی از بین نرود.



نکته‌ی آخر هم مسئله‌ی حرفهای متقن است. هم در روضه‌خوانی، هم در مدیحه‌گویی، هم در مطالبی که بیان میشود، مطالب متقن و مستند را مطرح کنید. مطالعه کنید، کار کنید، کتاب بخوانید که البته میدانم بسیاری از مداحان عزیز ما این کار را میکنند؛ مطالعه میکنند، کتاب میخوانند، دیوانهای شعر برجسته را میخوانند؛ هم به ادبیات مسلط میشوند، هم معرفت دینی‌شان بالا میرود و خب از آنها در جلساتشان تراوش میکند. مواظب باشید که این حالت، عمومی بشود، همه‌گیر بشود؛ چون حرف سست، خطرناک است. گاهی اوقات میشود که یک حرف سست، یک بیان نارسا و غلط، دستاویز دشمن قرار میگیرد، اصل تشییع را زیر سؤال میبرند. یک وقت هست که ما یک حرف غلطی میزنیم، به ما حمله میکنند؛ خب اهمیتی ندارد، [اما] یک وقت هست که یک چیزی میگوییم که موجب بشود به اسلام حمله کنند، به تشییع حمله کنند، به معارف اسلامی ما حمله کنند یا به علمای بزرگ ما؛ این دیگر جایز نیست. خیلی مراقبت کنید. بنابراین حرف محکم، مستند و متقن جزو چیزهایی است که باید در برنامه‌ی کاری مداحان عزیز ما قرار بگیرد.

خب، امروز جلسه‌ی خوبی بود، بهره بردیم، استفاده کردیم. از دوستانی که اینجا برنامه اجرا کردند تشکر میکنم؛ از دوستانی هم که از شهرستان‌ها آمده بودند - از زاهدان، از اردبیل - و از کشورهای عربی - این برادر بحرینی‌مان - بخصوص تشکر میکنم، و از آقای واعظی (۱۵) که از مشهد آمدند؛ و کسانی که از این شهرهایی که اسم بردم یا از جاهای دیگری که اسم نبردم آمدند، خواهش میکنم سلام بنده را هم به مردم عزیزمان در این شهرها برسانید و امیدوارم که ان شاء الله همیشه در زیر سایه‌ی الطاف ولی‌عصر (ارواحنا فداه) زنده باشید، باقی باشید، موفق باشید.

پروردگارا! به محمد و آل محمد، نعمت یاد امام حسین را روزبه‌روز در کشور ما فراوان‌تر و مستدام‌تر بفرما. پروردگارا! زبانهایی که با مدیحه‌ی حسین بن علی و خاندان پیغمبر حرکت میکنند، مورد لطف و برکت خودت قرار بده. پروردگارا! هیئتهای ما را، هیئتهای امام صادق پسند قرار بده؛ ما را سربازان جهاد عظیم این روزگار که «جهاد تبیین» است، قرار بده. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی امام عزیز ما و شهدای بزرگوار ما را با ارواح طیبه‌ی اهل بیت (علیهم السلام) محشور بفرما؛ قلب مقدس فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها) را از ما راضی و خشنود کن؛ دل مبارک امام زمان، ولی‌عصر (ارواحنا فداه) را از ما راضی و خشنود کن؛ سلام ما و تحیات ما را به آن بزرگوار برسان و رضایت آن بزرگوار از ما را، شامل حال ما قرار بده.

والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته

(۱) در ابتدای این مراسم، شماری از مداحان به ذکر فضائل و مناقب حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) پرداختند.

(۲) کافی، ج ۱، ص ۴۵۸

(۳) سوره‌ی مریم، بخشی از آیه‌ی ۱۷؛ «... پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد.»

(۴) سوره‌ی انسان، آیه‌ی ۹؛ «ما برای خشنودی خداست که به شما میخورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمیخواهیم.»

(۵) سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۶۱

(۶) امالی صدوق، مجلس هفتاد و دوم، ص ۴۷۳



- ۷) امالی صدوق، مجلس بیست و ششم، ص ۱۲۵
- ۸) شهید محسن فخری زاده، دانشمند هسته‌ای و دفاعی کشور، که در هفتم آذر سال ۱۳۹۹ در منطقه‌ی آبسرد دماوند به شهادت رسید.
- ۹) آقای سعید کاظمی آشتیانی، از دانشمندان و مدیران برجسته‌ی تراز انقلاب اسلامی و از پیشتازان و جهادگران در نوآوری‌های علوم زیستی و رئیس پژوهشکده‌ی رویان جهاد دانشگاهی بود. در دوره‌ی مدیریتی او، ایران توانست به موفقیت‌های چشمگیری همچون گسترش روشهای پیشرفته‌ی درمان ناباروری، تولید و تکثیر و انجماد سلول‌های بنیادی جنینی و همانندسازی (کلونینگ) حیوانات دست یابد.
- ۱۰) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰
- ۱۱) بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۲
- ۱۲) کافی، ج ۲، ص ۱۷۵
- ۱۳) از جمله، بیانات در دیدار پرستاران و خانواده‌ی شهدای سلامت (۲۱/۹/۱۴۰۰)
- ۱۴) شیخ بهایی. کشکول، دفتر پنجم، قسمت دوّمغزالی
- ۱۵) آقای احمد واعظی